

فصل اول- کلیات تحقیق

مقدمه

.....

۲

مسأله

بیان

..... ۴

سؤالات

..... پژوهش ۶

پژوهش

انجام

ضرورت

و

اهمیت

..... ۷

اهداف

..... پژوهش ۸

روش

..... تحقیق ۸

ها

واژه

تعریف

..... ۹

..... شناخت

۸.....

شناخت

۹.....شناسی

معرفت

۱۰.....شهودی

معرفتی

غیر

عوامل

۱۱.....

قرآن

.....

۱۲

قرآن

ی

شناسنامه

۱۳.....

اعجاز

۱۳.....قرآن

آن

به

احتجاج

قابلیت

و

قرآن

مرجعیت

۱۵.....

ی

دوم-پیشینه

فصل

۱۹.....تحقیق

مقدمه

۲۰.....

پیشینه	ی	بحث	در	طول
تاریخ
پیشینه	ی	بحث	در	اندیشه
اسلامی	فلاسفه
غیر	ی	غیر	معرفتی	شهودی
عوامل	نزد
.....	فیثاغورثیان
عوامل	غیر	معرفتی	در	اندیشه
.....	ی
.....	سقراط
عوامل	غیر	معرفتی	در	اندیشه
.....	ی
.....	افلاطون
عوامل	غیر	معرفتی	در	اندیشه
.....	ی
.....	فلوطين
عوامل	غیر	معرفتی	نزد	اندیشمندان
.....	اسلامی
.....
عوامل	غیر	معرفتی	در	اندیشه
.....	ی
.....	ابن
.....
عوامل	غیر	معرفتی	در	فلسفه
.....	ی
.....
.....
عوامل	غیر	معرفتی	در	حکمت
.....	متعالیه
.....

پیشینه ی بحث در پژوهشها
۲۸.....

جمع بندی
۲۸.....

فصل سوم- چستی و امکان عوامل غیر معرفتی... ۲۹

مقدمه
۳۰.....

معرفت شهودی
۳۱.....

ماهیت معرفت شهودی از منظر قرآن
۳۱.....

احاطه ی معرفت شهودی بر سایر معارف
۳۵.....

وجود معارف شهودی در همه ی انسانها
۳۷.....

فطری بودن معرفت شهودی
۳۸.....

معرفت شهودی بعد از مرگ
۴۱.....

غیر	عوامل				
	معرفتی
و	معرفتی	غیر	عوامل	ی	رابطه
	
	
علوم	در	مذکور	بحث		جایگاه
	
	
عرفان					علم
				
				
کلام					علم
				
				
فلسفه					علم
				
				
فقہ	و	معرفتی	غیر		عوامل
	
	
فقہ					حجیت
				
				
فتوی		اختلاف			منشأ
	
	
طریقت		یا			شریعت
	
	

رابطه ی فقه و عوامل غیر معرفتی
..... ۵۷

حسن و قبح عقلی و شرعی
..... ۵۷

امکان عوامل غیر معرفتی
..... ۶۱

فصل چهارم-تفصیل عوامل غیر معرفتی مؤثر در معرفت

.....شهودی

۶۴..

مقدمه ۶۵ عوامل باز

دارنده..... ۶۵

شیطان

..... ۶۶

مقدمه

..... ۶۶

.....شناسی شیطان

..... ۶۸

.....دماهای شیطان در

.....مسیرانسان ۶۹

تحریف

بزرگ: ۷۱

شیطان مانع رسیدن به

شهود ۷۳

نفوذ شیطان در

شهود ۷۵

..... غفلت

۷۵.

غفلت در قرآن

کریم ۷۶

غفلت مانع

شهود ۸۰

هوای

نفس ۸۱

مراتب

نفس ۸۱

مفهوم هوای

..... ۸۲

قرآن و هوای نفس

..... ۸۴

مبارزه با هوای نفس..... ۸۴

هوای نفس مانع شهود ۸۵

علم اکبر حجاب ۸۶

مصادق‌هایی از حجب عملی ۸۸

علم زدگی مانع شهود ۸۹

گناه در قرآن فرهنگ ۸۹

آثار سوء گناه و معصیت در قرآن و روایات ۹۲

گناه شهود مانع ۹۸

خود خواهی خود خواهی ۹۹

خودخواهی در منطق قرآن ۹۹

ویژگیهای توبه ی حقیقی

۱۰۹.....

نقش توبه در رسیدن به شهود

۱۱۱.....

زهد

۱۱۳

تعریف زهد

۱۱۳.....

زهد در آیات قرآن

۱۱۳.....

دلالتهای قرآنی برعامل بودن زهد در کسب شهود

۱۱۵.....

ریاضت

شرعیه..... ۱۱۷

تعریف ریاضت

۱۱۸.....

فایده ی ریاضت

۱۱۸.....

ریاضت

اسلامی..... ۱۱۹

نقش ریاضت در

شهود..... ۱۱۹

مراقبه و محاسبه عامل رسیدن به

شهود..... ۱۲۰

مفهوم مشارطه، مراقبه و

محاسبه..... ۱۲۱

نقش مراقبه و محاسبه در رسیدن به

شهود..... ۱۲۳

استاد مرشد

وراهنما..... ۱۲۴

انقیاد کامل از استاد

..... ۱۲۵

نقش استاد در رسیدن به شهود

..... ۱۲۵

تقوی شرط شهود

..... ۱۲۶

دور نمای

تقوی ۱۲۷

تقوی

شناسی ۱۲۷

تقوی در

قرآن ۱۲۸

آثار و برکات

تقوی ۱۲۸

نقش تقوی در

شهود ۱۲۸

جهاد

..... ۱۲۹

جهاد در فرهنگ

قرآنی ۱۳۰

جهاد عامل رسیدن به شهود

..... ۱۳۱

اخلاص عامل رسیدن به شهود ۱۳۲

مفهوم

..... اخلاص

۱۳۳.

واژه ی اخلاص در قرآن ۱۳۳

مراتب

..... اخلاص

۱۳۵

ویژگی های مخلصین ۱۳۷

نقش اخلاص در شهود ۱۳۸

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری ۱۴۱

پیشنهادات

..... ۱۴۸

محدودیت

های

پژوهش.....۱۴۹

فصل اول

کلیات تحقیق

مقدمه:

با توجه به فطری بودن کشف حقایق و وجود انگیزه‌ی تعلّم به صورت جبلی درآحاد بشر، همچنین فوائد دنیوی و اخروی فراوانی که مترتب بر این کشف و تعلّم است از طرفی و

تعریف معرفت به یقین مطابق با واقع (باور صادق موجه) در کلام فلاسفه، (این تعریف به افلاطون برمی گردد).^۱ هم اهمیت بحث در معرفت شناسی و شناخت معارف انسانی روشن می گردد و هم بحث در آن نوع از معرفت که مطابقت آن با واقع، ایقن، اعم و ادق باشد و نفس بعد از اکتساب آن به اطمینان و آرامش برسد.

یکی از معارفی که در حوزه ی معرفت شناسی راجع به آن نظریه پردازی شده و معرکه ی آراء اندیشمندان حوزه های مختلف فلسفی، دینی و عرفانی، اعم از اسلامی و غیر اسلامی است، (علاوه بر معرفت فطری، حسی و عقلی) معرفت شهودی می باشد. معرفتی که اگر چه عقل از درک حقیقت آن عاجز است وقادر به ورود به گستره ی آن نیست، اما نسبت به وجود آن اذعان و اعتراف دارد و آن را تأیید می کند. عقل بهترین میزان و معیار برای اثبات و سنجش می باشد به طوری که انسان هر اصل معتبری را باید از دلان آن بگذراند تا تأیید شود.

عقل بهترین دلیل بر امکان شیء را وقوع آن می داند. اعتراف او به امکان معرفت شهودی به خاطر اطّراد آراء راجع به این نوع معرفت در نحله های مختلف فلسفی، مذهبی و عرفانی است. ادّعای وجود راه شهود در کسب معرفت، منحصر در نظریه پردازی نیست. زیرا شواهد زیادی در دست است که کسانی این طریق را پیموده، به معارفی هم نایل شدند. از طرفی عقل استبعادی در وجود این نوع معرفت نمی بیند. فلسفه که مبتنی بر عقل محض است، وجود این نوع از معرفت را کاملاً تأیید می کند.

شهود همان درک مستقیم و بدون واسطه است^۲ که در مرحله حدوث، نه احتیاج به وساطت استدلالات عقلی دارد و نه نیازمند ابزار حسی ظاهری است. بدیهی است که در چنین معرفتی درصد خطا به صفر خواهد رسید. نفس هم آن را برای خویش حجت می داند، اگر چه

^۱-فعالی، محمد تقی، معرفت شناسی دینی، چاپ هشتم، قم: زلال کوثر، چاپ اول، ۱۳۸۰ ص ۱۷
^۲- حسین زاده محمد، مبانی معرفت دینی، چاپ اول، قم، موسسه امام خمینی (ره)، سال ۱۳۷۹، صفحه ۳۷

نتواند حقیقت این نوع از معرفت را به صورت گزاره هایی که تمام جنبه های آن را در بر داشته و قابل استفاده ی دیگران باشد، درآورد.

برخی از معلومات شهودی برای آحاد نوع بشر فراهم است. (مانند معرفت به نفس و حالات نفسانی؛) اما بسیاری از معارف شهودی سرنوشت ساز برای همگان فراهم نیست و قطعا برای رسیدن به آنها مقدمات، زحمات و ریاضاتی لازم است. این نوع از معارف شاید قابل احصاء نباشند، اما همگی به یک نتیجه ی معرفتی که توحید است منتج خواهند شد.

با توجه به این مسأله که هر کس به این نوع از معرفت برسد تنها طریق آن را می تواند آموزش دهد نه آموزه های اکتسابی آن را؛ فقط سالک آن قادر به درک این نوع معرفت است.^۱ از طرفی همگان این حق را دارند که از آن محروم نمانند. لذا دانستن مقدمات این نوع معرفت، لازم و ضروری به ضرورت عقل است.

مسأله ای که می توان گفت در فلسفه و مباحث معرفت شناسی به طور مستقل راجع به آن بحث نشد و شاید به خاطر اهمیت و کاربردی بودن آن می توانست بابتی مستقل در علم معرفت شناسی گردد، اما نسبت به آن اهمال شد، امکان تأثیر عوامل مقدمی غیر معرفتی در کسب معرفت شهودی و شناخت این عوامل در صورت امکان است. البته قطعا می توان در ضمن گزاره های اخلاقی، توصیه های عرفانی و مسائل فلسفی، مباحثی در این مورد پیدا کرد؛ ولی تشطت و پراکندگی آنها و عدم وجود طرحی مستقل در این زمینه جویندگان این نوع معرفت را دچار تحیر و سرگردانی می کند.

ضرورت دستیابی به معرفت شهودی و اهمیت شناخت عوامل غیر معرفتی مؤثر در کسب این نوع از معرفت، بحثی را درحوزه ی اپیستمولوژی که الآن حوزه ای جدا و مستقل در فلسفه می باشد، ضروری می نماید که مبتنی بر آموزه های دینی، رهنمودهای عرفانی و قواعد عقلی باشد.

^۱ - همان، صفحه ۳۷

بیان مسأله:

بحث ثبوتی تأثیر عوامل غیر معرفتی در طلب معرفت شهودی، می تواند بحث مقدماتی در فلسفه و حوزه ی معرفت شناسی باشد. زیرا فلسفه ی وجودی علم فلسفه در تمام اعصار و نزد تمام نحله ها چیزی جز کشف حقیقت جهان و انسان نبوده و نیست. بدیهی است اگر به فرض امکان و وقوع این عوامل، تمام جنبه های آن روشن شود، با رعایت آنها هر فردی به فراخور تلاش و استعداد درونی خویش، می تواند به معرفت نسبی شهودی و بدون واسطه نایل شود و دغدغه ی اصلی بشر، که همان دانستن مبدأ، معاد و هدف از خلقت است، حل خواهد شد. معرفتی که چنان محکم و متقن است که به محض اکتساب آن صاحب آن ملزم به عمل طبق آن می شود و راه اجتناب از حقایق آن برایش بسته می شود. اگر کسی قبایح را آنگونه که هستند، درک کند منافرت نفس، هر گونه کشش به سمت آنها را از بین می برد. همچنین اگر حسنات را آنگونه که هستند ببیند، رغبت نفس، جلوی هر گونه عدول و سر باززدن از آنها را می گیرد.

شاید اگر راههای رسیدن به معرفت شهودی شناخته شده و ارائه گردند، به صورت طرحی جهان شمول در آمده و وحدت در عرصه ی مسائل فلسفی ایجاد شده و استهلاک فکری ناشی از پراکندگی و بعضاً تعارض نظرات و آراء به حداقل برسد. البته این در صورتی است که این عوامل رعایت شده و معرفت شهودی حاصل گردد. یعنی بتوانیم طرح مذکور را به عرصه ی عمل و کار برد برسانیم. زیرا واقعیت های جهان ثابت و غیر قابل تغییرند. تنها درکهای مختلف و برداشتهای مختلف از آنها می شود.

طبیعتاً اگر طرح مذکور بخواهد از اتقان و مقبولیت علمی بیشتری برخوردار باشد، باید مبتنی بر اصل استوار و غیر قابل خدشه ای باشد. به طوری که عقل آن را صحیح بداند و منکر آن قدرت دفاع از انکار خویش را نداشته باشد.

متفکران و اندیشمندان زیادی در حوزه ی فلسفه، نظریه ی کسب معرفت از طریق شهود را ارائه کرده، به بیان کیفیت نیل به آن پرداخته اند. اما از آن جهت که طی این مرحله بی هم‌رهی خضرممکن نیست و قطعاً فرازها و فرودهای بسیاری دارد، باید متوسل به منبعی شد که بهترین دست گیره ها را در اختیار داشته و محکم ترین مستمسک ها در آن موجود باشد.

اگر کسی اهل مطالعه در آثار فلاسفه اسلامی و غیر اسلامی باشد، قطعاً اذعان خواهد کرد که فلسفه ی اسلامی به خاطر آموزه های وحیانی و رهنمودهای انسان کاملی مانند رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) و اهل بیت معصوم آن حضرت، که معادن علم اند، کمترین تزلزل اندیشه را در بین فلسفه های دیگر دارد. زیرا فلاسفه ی مشاء، اشراق و فلاسفه ی حکمت متعالیه بالاخص مبتکر اصلی آن صدر المتألهین همتشان این بود که از اصول محکم منقول از قرآن و اهل بیت عدول نشود و انطباق شرع و عقل حفظ گردد.

مکتب الهی اسلام با توجه به عقلانیت، فطرت، وحی و حتی حس، بنیان مرصوصی در اندیشه ی انسانی بنا نهاد به طوری که نه از پلورالیسم فکری در آن خبری است نه از شکاکیت باستانی و مدرن.

از طرفی ابتکار ابرمرد فلسفه ی اسلامی، بلکه مطلق فلسفه، (صدر المتألهین شیرازی) و طرح نوین ایشان در بازسازی بنای محکم فلسفه ی اسلامی بر پایه و اساس محکم و ضد هر زلزله ی عقیدتی و وحدت بی سابقه ای که در عرصه ی اندیشه ایجاد کرد، نزاع همیشگی و تکفیرات متقابل بین عرفا، متکلمین و فلاسفه را به وادی عدم کشاند و برای همیشه از میان برداشت. حکمت متعالیه ی او و اکتساب او از قرآن، عرفان و برهان، فصل تازه ای را در فلسفه ی اسلامی و مطلق فلسفه باز کرد.^۱

ملازمه ی شرع و عقل که ما فعلا در صدد تبیین آن نیستیم، و فعل علمای سلف در مورد تطبیق شرع و عقل در فلسفه ی اسلامی، قطعاً به ما این اجازه را خواهد داد که این طرح

^۱ - گنجی، محمد حسین، کلیات فلسفه، چاپ چهارم، تهران، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، سال ۱۳۸۷، صفحه ۱۸۵

فلسفی را با الهام از آموزه های قرآنی بنا کرده و از این کتاب سراسر حکمت راه رسیدن انسان به حق و یقین را بیاموزیم.

خالق هستی و انسان، در آموزه های قرآنی اشاره به اصل فطرت بشری دارد و بازگشت به این اصل را متذکر می شود. (آیه هایی که در آنها واژه ی ذکر یا تذکر آمده است دلالت بر بازگشت به فطرت می کند)

این بازگشت همان شهود است و این شهود طرق و مقدماتی لازم دارد که در سراسر قرآن پراکنده اند. قرآن هم راههای رسیدن به این معرفت را متذکر می شود و هم موانع آن را بیان می کند.

کار این پژوهش جمع آوری، شرح، تبیین و ساماندهی این آموزه ها است .

سؤالات پژوهش :

سؤالاتی را که این پژوهش در صدد پاسخگویی به آنها است به شرح زیر می باشد.

۱- از منظر قرآن کریم آیا عوامل مؤثر در کسب معرفت شهودی وجود و امکان دارند؟

۲- در صورت امکان، از نظر این کتاب شریف این عوامل چیست و به چند دسته تقسیم

می شوند؟

۳- کیفیت تأثیر این عوامل از دیدگاه قرآن چگونه است؟

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش :

بر هر اهل عقل و تفکری که ادنی تأملی داشته باشد پوشیده نیست که انسان با این نظام پیچیده ی روحی و جسمی در درون و هماهنگی و سازگاری با نظام شگفت انگیز بیرون که تفکر در چگونگی این پیوندها و ارتباطات، حاصلی جز تحیر ندارد، بی هدف خلق نشده و بر ایجاد او اغراضی مترتب است .